

دزد گوشی های آیفون با تیراندازی پلیس به دام افتاد

سرقت های لاکچری!

سید خلیل سجاد پور - با دستگیری یکی از اعضای باند سرقت های لاکچری در مشهد مشخص شد که آن ها از دو دستگاه موتورسیکلت و به صورت پوششی برای دستبرد به گوشی های آیفون شهروندان استفاده می کنند و به قمار بازی و خوشگذرانی می پردازند!

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، به دنبال افزایش گوشی قاپی در خیابان های فرهاد و نسترن مشهد که موجب نگرانی کسبه و اهالی محل شده بود، گروه ویژه ای از نیروهای تجسس کلانتری سناباد ماموریت یافتند تا به بررسی سرقت های مذکور بپردازند در همین حال یکی از کسبه محلی از حضور موتورسوارانی مشکوک خبر داد که در ساعات به خصوصی وارد خیابان می شوند و دقایقی بعد حادثه گوشی قاپی برای یکی از رهگذران رخ می دهد. این گونه بود که مشخصات موتورسیکلت رنگ اسپرت و سرنشینان آن با تصاویر و فیلم های ارائه شده توسط مال باختگان، مورد تطبیق کارشناسی قرار گرفت و مشخص شد که موتورسواران مذکور همان عاملان سرقت های لاکچری هستند چرا که بیشتر سرقت های آنان گوشی های آیفون گران قیمت بود.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است با این سرخ مهم، بلافاصله گشت های نامحسوس با صدور دستوری از سوی سرگرد محمدباقر بهر از فر (رئیس کلانتری سناباد) اعزام منطقه مذکور شدند و با استفاده از تصاویر موجود به ردزنی دزدان موتورسوار پرداختند. پس از چند روز گشت زنی های نامحسوس پلیس، بالاخره موتورسواران در خیابان فرهاد ظاهر شدند و تحت تعقیب قرار گرفتند ولی راکب موتورسیکلت پوششی دزدان گوشی قاپ، متوجه حضور پلیس شد و با فریاد



از همدستانش خواست فرار کنند. در این هنگام سرنشینان دو دستگاه موتورسیکلت در جهت خلاف حرکت خودروها به سمت بولوار سجاد گریختند و به تیراندازی هوایی نیروهای انتظامی هم توجهی نکردند. بنابراین گزارش عملیات تعقیب و گریز در حالی وارد مرحله جدیدی شد که یکی از موتورسواران به سوی بولوار ملک آباد و راکب سرنشین موتورسیکلت قرمز رنگ به سوی چهارراه خیام متواری شدند. در همین حال گروهی از ماموران گشت نامحسوس به سرپرستی ستوان بابایی (افسر گشت) به تعقیب موتورسیکلت قرمز رنگ ادامه دادند چرا که طبق اسناد و تصاویر موجود، سرنشینان موتورسیکلت رنگ اسپرت در سرقت های زیادی نقش داشته اند راکب و سرنشین موتورسیکلت که با ویراژ از لایه لای خودروها سبی داشتند از چنگ پلیس بگریزند اما حرکت در خلاف جهت خودروها ناگهان حادثه وحشتناکی را رقم زد و موتورسیکلت که از چراغ قرمز عبور کرده بود به شدت با یک خودروی سواری در چهارراه خیام برخورد کرد و سارقان روی آسفالت خیابان افتادند. در این هنگام هر دوسارق بارها کردن موتورسیکلت و با پای پیاده به فرار ادامه دادند اما

یکی از آن ها با حرکت متهورانه افسران گشت در حالی با همکاری شهروندان دستگیر شد که با بیرون آوردن قمه بزرگ به سمت یکی از نیروهای انتظامی حمله کرد. بنابر گزارش روزنامه خراسان، با فرار سرنشین موتورسیکلت، همدست وی به کلانتری منتقل شد و تحت بازجویی های تخصصی قرار گرفت.

این جوان ۲۰ ساله که مجتبی نام دارد دراز سرقت های لاکچری در مشهد را فاش کرد و در حالی به ده هافقره گوشی قاپی با همدستی دیگر اعضای باند اعتراف

را سرقت کنیم چون آن ها رگران ترمی فروختیم. این سارق جوان ادامه داد: گوشی های آیفون را بین ۵ تا ۱۰ میلیون تومان و گوشی های هوشمند دیگر ۳ تا ۵ میلیون به مالخران می فروختیم و با پول آن ها قمار بازی می کردیم یا به خوشگذرانی می پرداختیم.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، با توجه به اهمیت موضوع و ارتکاب ده هافقره گوشی قاپی در این پرونده، مقام قضایی در دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۷ مشهد، دستورات ویژه ای را برای دستگیری دزدان فراری و بازرسی مخفیگاه آنان صادر کرد و بدین ترتیب عوامل انتظامی در حالی وارد مخفیگاه دزدان شدند که هیچ کدام از سارقان فراری در آن مکان حضور نداشتند اما یک دستگاه خودروی پژو ۲۰۶ که قبلاً نیز به دلیل سرقت گوشی تلفن توقیف شده بود، برای بررسی های بیشتر به مقر انتظامی انتقال یافت. هنوز تحقیقات پلیس در این باره ادامه داشت که تعداد دیگری از مال باختگان با حضور در کلانتری عضو باند سرقت های لاکچری را شناسایی کردند.

یکی از شاکیان گفت: در حالی که با گوشی تلفن مشغول صحبت بودم از اداره بیرون آمدم و به طرف



عکس ها اختصاصی از خراسان

خودروام در حاشیه خیابان حرکت کردم ولی ناگهان سرنشین یک دستگاه موتورسیکلت ضربه ای به سرم زد و هنگامی که گوشی تلفنم را می رбуд، مقنعه ام را نیز کشید که پاره شد و من فقط توانستم رنگ قرمز موتورسیکلت و رنگ های اسپرت آن را به خاطر

بسیارم!

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: از سوی دیگر واکاوی پلیس در باره سارقان فراری این باند نیز نشان داد که یکی از آن ها پرونده ای به همین اتهام در شعبه ۲۱۰ دادسرای عمومی دارد که دستورات ویژه ای برای پیگیری آن توسط قاضی بابایی صادر شده است. بنابر این دامنه تحقیقات افسران دایره تجسس کلانتری سناباد مشهد برای ریشه یابی پرونده و دستگیری دیگر افراد مرتبط با اعضای باند و مالخران گوشی های گران قیمت، در حالی گسترده تر شد که بررسی های تخصصی نشان داد: شماره پلاک موتورسیکلت عامل سرقت های لاکچری دست نویس بوده و آن ها شماره تنه موتورسیکلت را هم با سنگ فرز مخدوش کرده اند تا هنگامی که در صحنه های سرقت آن را رها کردند توسط پلیس شناسایی نشود.

فرجام مرگبار کیف قاپی در خیابان پاسداران تهران

بلند شد و بی آن که کیف مرا بر دارد فرار کرد. دقایقی بعد و با حضور اورژانس مشخص شد که ترک نشین جانش را از دست داده است. پس از تحقیق از این زن، بازپرس جنایی دستور بررسی تصاویر دوربین های مدار بسته ای را که در اطراف محل تصادف وجود داشت صادر کرد. تصاویر و فیلم های به دست آمده، مهر تأیید بر اظهارات زن جوان و شاهدان می زد. در ادامه تحقیقات خانواده سارق جان باخته شناسایی شدند و مشخص شد که آن ها اهل پایتخت نیستند. والدین سارق فوت شده پس از حضور در دادسرای جنایی تهران به شکایت از زن جوان پرداختند و بیان کردند که وی موجب مرگ پسرشان شده است. آن ها توضیح دادند که پسرشان مدتی قبل برای کار از شهرستان به تهران آمده بود که این حادثه برایش رخ داد. از سوی دیگر با انجام تحقیقات بیشتر مشخص شد که سارق جان باخته، سابقه کفیری دارد و پیش از این به جرم کیف قاپی دستگیر و زندانی شده بود. براساس این گزارش، بازپرس جنایی دستور تشکیل تیم کارشناسی داده تا علت این حادثه مرگبار و عمدی یا غیرعمدی بودن آن مشخص شود. از سوی دیگر جست و جو برای بازداشت همدست سارق فوت شده ادامه دارد.

خودروی پیکانتو بود، پرداختند. وی توضیح داد: فرزندم در صندلی عقب نشسته بود و من در حال رانندگی بودم که ناگهان دو مرد موتورسوار به خودروام نزدیک شدند. مردی که ترک موتور نشسته بود قمه ای به من نشان داد و تهدیدم کرد که توقف کنم. من که وحشت کرده بودم به حرکت ادامه دادم. اما موتورسواران دست از سرم برداشتند و به تعقیب من ادامه دادند تا این که یکی از آن ها با قمه شیشه خودروام را شکست و کیفم را که روی صندلی شاگرد بود به سرقت برد. وی ادامه داد: در آن شرایط دلهره عجیبی به جانم افتاده بود و می خواستم هر طور شده از دست آن ها فرار کنم چون می ترسیدم مبادا بلایی بر سر من یا فرزندم بیاورند. دزدان هنگام تعقیب ماشین من حتی لاستیک سمت شاگرد را هم پنجر که رده بودند و به سختی می توانستم رانندگی کنم و ناگهان با موتور دزدان برخورد کردم. موتور واژگون شد و همان لحظه خودروی پرایدی که در حال حرکت بود با دزدان برخورد کرد. وی گفت: من قصد آسیب رساندن به دزدان را نداشتم و می خواستم از دست آن ها فرار کنم که این اتفاق افتاد. زن جوان ادامه داد: پس از آن که موتور واژگون شد، راکب که به نظر می رسید آسیب جدی ندیده، از جایش

دزدان موتورسوار با حمله به خودروی در حال حرکت، شیشه آن را شکستند تا کیف زن جوان را که پشت فرمان بود، سرقت کنند اما لحظاتی پس از این سرقت خشن، موتور آن ها در تصادف با خودروی مال باخته واژگون شد و حادثه مرگباری رقم خورد. این حادثه مدتی قبل در خیابان پاسداران رخ داد. دو جوان که سوار بر موتور بودند، با قمه به سمت یک خودروی پیکانتو که زن جوانی پشت فرمان آن بود، هجوم بردند. مردی که ترک موتور نشسته بود در حالی که خودرو در حال حرکت بود با قمه ضربه ای به شیشه خودرو زد و آن را شکست. او سپس کیف زن جوان را که روی صندلی جلو بود، برداشت و همدستش سرعت موتور را بیشتر کرد تا فرار کنند. این اما پایان ماجرا نبود؛ زن جوان که به شدت وحشت کرده بود با خودرو به موتور دزدان برخورد کرد و این اتفاق موجب واژگونی موتور شد. دقایقی از این اتفاق می گذشت که پلیس و اورژانس در محل حادثه حضور یافتند. یکی از سارقان موفق به فرار شده اما سارق دوم به دلیل شدت جراحات جانش را از دست داده بود. ماجرا به قاضی وحیدناصری، بازپرس ویژه قتل اطلاع داده شد و او دستور تحقیقات در این زمینه را صادر کرد. در ابتدا مأموران به تحقیق از زن جوان که راننده

گاز گرفتگی در اقامتگاه ائران

بنابر گزارش آتش نشانی مشهد تعدادی از ائران که در یک منزل مسکونی اجاره ای اقامت داشتند به دلیل استنشاق گاز منوکسید کربن دچار گاز گرفتگی شدند که به مراکز درمانی انتقال یافتند.

آتش سوزی در انبار الوار

آتش نشانات ۱۰ ایستگاه مشهد برای خاموش کردن شعله های آتش در انبار بزرگ الوار اعزام خیابان فدک شدند و آتش به مناطق دیگر جلوگیری کردند. در این حادثه ۴۰ تن چوب در آتش سوخت.

انفجار در مدرسه

در پی انفجاری که بر اثر نشت گاز در یکی از مدارس شهر ملایر رخ داد، خدمتکار این مدرسه دچار ۶۰ درصد سوختگی شد. بنابر گزارش آتش نشانی ملایر در این حادثه آسیبی به دانش آموزان نرسید.

راننده بی احتیاط جان یک پاکبان را گرفت

توکلی - بی احتیاطی و بی توجهی به جلو توسط راننده خودروی سواری در زرند کرمان مرگ پاکبان را رقم زد. به گفته رئیس راهنمایی و رانندگی شهرستان زرند این حادثه صبح سه شنبه و در هنگام انجام کار برای یک خدماتی شهرداری زرن اتفاق افتاد که در این حادثه پاکبان ۴۰ ساله بر اثر برخورد دیک سواری با وی به بیمارستان منتقل شد که بر اثر شدت جراحات وارد شده جان خود را از دست داد.

در امتداد تاریکی

دختری در لانه کثیف

روزی که فهمیدم پسری با دخترم رابطه پنهانی دارد در اسیمبه به در منزلشان رفتم تا او را از این کار بازدارم اما تازه متوجه شدم که آن پسر از سوی خانواده اش طرد شده است و از طریق خلاف روزگار شرامی گذراند اکنون نیز دخترم را به لانه کثیف کشانده و...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۴۵ ساله که برای نجات دخترش از منجلاب مواد افیونی و تباهی، پلیس را تنها پناهگاه خود یافته بود در تشریح ماجرای «لانه کثیف» به مشاور ومددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: ۲۲ سال قبل به خواستگاری جوانی پاسخ مثبت دادم که بسیار رفیق باز بود به همین دلیل هم خیلی زود به مواد مخدر آلوده شدم و من در حالی از او طلاق گرفتم که دخترم در کلاس سوم دبستان تحصیل می کرد. آن زمان در تربت جام ساکن بودیم و من به ناچار بعد از جدایی از همسرم دست دخترم را گرفتم و به مشهد آمدم چرا که عاطفه مادری اجازه نمی داد سرپرستی جگر گوشه ام را به مردی معتاد و بی مسئولیت بسپارم خلاصه من برای تأمین مخارج زندگی در یک رستوران مشغول کار شدم و هدیه هم تا کلاس نهم درس خواند ولی بعد از آن با بیان این که به درس و مدرسه علاقه ای ندارد، ترک تحصیل کرد و به عنوان فروشنده وارد بازار کار شد. او شغل های متفاوتی را تجربه کرد تا این که در یک لوازم خرازی به فروشنده مشغول شد. صاحب فروشگاه از همسایگان قدیمی خودمان بود و به همین دلیل من هم مخالفتی برای ادامه کار او نداشتم. حالا هر دوفرمان سرکاری رفتم ولی دخترم در شیفت بعد از ظهر کار می کرد و صبح در خانه بود. یک روز هدیه با نگرانی به من گفت: پسر جوانی همواره به فروشگاه می رود و مزاحمت می شود. به دلیل این که فروشگاه لوازم خرازی نزدیک منزل لمان بود از دخترم خواستم در صورت تکرار مزاحمت های یک تک رنگ به من بزنند. روز بعد هدیه با من تماس گرفت و من هم بی درنگ خودم را به محل کار هدیه رساندم و آن پسر جوان را تهدید کردم که اگر بار دیگر برای دخترم مزاحمت ایجاد کنی ماجرا را به پدر و برادرهای هدیه خواهم گفت و آن ها بلاپی بر سرت می آورند که هیچ گاه فراموش نکنی چرا که دخترم نامزد دارد و این مزاحمت ها عواقب جبران ناپذیری خواهد داشت...

آن پسر جوان که خودش را «سلیمان» معرفی می کرد مدعی شد قصد از دواج با هدیه را داشته و دیگر مزاحمتی برای او ایجاد نمی کند. خلاصه حدود سه ماه از سلیمان خبری نبود اما من آرام آرام متوجه تغییر رفتار های دخترم شدم. برآیم باور کردنی نبود او که هیچ گاه دیر به خانه نمی آمد اکنون هفته ای دوشب را در بیرون از منزل سپری می کند و پاسخ تلفن های مرا نیز نمی دهد. او ادعای کرد شب را نزد یکی از دوستانش گذرانده است من هم که ادعاهایش را باور نمی کردم ماجرا را برای صاحبکارش بازگو کردم و از او کمک خواستم. نیمه شب روز بعد در حالی که هدیه به تماس هایم پاسخ نمی داد صاحبکارش او را به همراه پسر جوانی دیده بود که سوار بر موتورسیکلت از کنار پارک نزدیک منزل لمان عبور کرده اند. با مشخصاتی که صاحبکار دخترم داد تازه فهمیدم آن جوان موتورسوار سلیمان است و پنهانی با دخترم ارتباط دارد اما هدیه اصرار داشت که صاحبکارش اشتباه کرده است و او با سلیمان ارتباطی ندارد ولی من با پرس و جواز همسایگان متوجه شدم که خانواده سلیمان نیز در همان محله زندگی می کنند. وقتی دیدم هدیه شب های زیادی را به خانه نمی آید نزد خانواده سلیمان رفتم اما خواهر او که در منزل بود مدعی شد، پدر و مادر سلیمان را «عاق» کرده اند و از او خبری نداریم. در همین حال هدیه که متوجه حضور من در منزل پدر سلیمان شده بود بلافاصله با من تماس گرفت که در مسیر بازگشت به خانه است. از سوی دیگر من برای حفظ آبروی خودم فقط دخترم را نصیحت می کردم تا او را از این منجلاب نجات بدهم. در همین روزها سلیمان به در خانه آمد و هدیه را خواستگاری کرد اما من که می دانستم این از دواج فرجامی ندارد به او گفتم باید به همراه خانواده اش به خواستگاری هدیه بیایید. چندروز بعد دخترم ساک بزرگی را به خانه آورد که درون آن تعداد زیادی بطری حاوی مشروبات الکلی بود وقتی فهمیدم آن ساک متعلق به سلیمان است دخترم را تهدید کردم که به پلیس گزارش می دهم. خلاصه روز بعد در حالی آن ساک را از خانه ام بیرون بردند که تازه متوجه شدم سلیمان نه تنها معتاد است و مواد مخدر توزیع می کند بلکه دخترم را نیز آلوده مواد افیونی کرده است. حالا هم هدیه مرا رها کرده و در لانه کثیف و مجر دی سلیمان زندگی می کند. این در حالی است که سلیمان نه تنها هدیه را به منجلاب مواد افیونی کشانده بلکه ادعای کند از هیچ خبری ندارد. اکنون دخترم چندروز است که به تماس هایم نیز پاسخ نمی دهد و من با چشمانی اشکبار در انتظار او مستاصل مانده ام اما ای کاش... گزارش روزنامه خراسان حاکی است تحقیقات پلیس برای بررسی ادعاهای این زن جوان و رهایی دختر ۱۸ ساله از دام مواد افیونی با صدور دستورات ویژه ای از سوی سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۱۰۹۵۰۰۷۰۰۰۰۳۲

موضوع: اصلاح سیستم BMS خطوط شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد

مبلغ برآورد: ۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید. این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rtk.ir نیز درج گردیده است.

شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد



آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۱۰۹۵۰۰۷۰۰۰۰۳۱

موضوع: خرید و حمل منبع انبساط روغن (Accumulator) سیستم ترمز ناوگان خط یک

شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد

مبلغ برآورد: ۱۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید. این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rtk.ir نیز درج گردیده است.

شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد

